
نقش مشارکت سیاسی زنان در فرآیند توسعه پایدار کشور (با تأکید بر سه دولت اصلاح طلب، اصولگرا و اعتدالگرا)

دکتر بهرنگ صدیقی^۱ و پردیس عامری^۲

چکیده

از آنجا که افزایش مشارکت همه اعضای جامعه، از ابزارهای اصلی دستیابی به توسعه پایدار کشور است، حضور زنان هم به عنوان نیمی از جمعیت کشور، از مسائل مهمی است که بررسی ابعاد مختلف آن در امور تصمیم‌گیری حائز اهمیت است. تحقیق حاضر که نقش مشارکت سیاسی زنان در فرآیند توسعه پایدار کشور را به بررسی گذاشته است، براساس نوع و میزان بازنمایی این نقش و دلایل کم‌رنگ و پررنگ‌شدن مقطعی این نقش، به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی بوده است که بازنمایی مشارکت سیاسی زنان در توسعه پایدار در اسناد مهم از جمله اسناد توسعه‌ای کشور و در نظرات مسئولان، تا چه اندازه و به چه شکل بوده و تحت‌تأثیر چه مقولاتی قرار گرفته است؟ مطابق یافته‌ها، در کشور ما محقق‌نشدن مشارکت سیاسی کامل زنان، موانعی فراتر از قانون و سیاست‌گذاری‌ها دارد. در کدگذاری داده‌های استخراج‌شده مرتبط با سه دولت، براساس روش نظریه مبنایی، ۱۰ مقوله اصلی و ۲۴ زیر مقوله در این باره و در دسته‌بندی‌های فرهنگی، اجتماعی، قانونی و دولتی شناسایی شده‌اند. تحقیق حاضر، با بررسی این فضا و دلایل تحولات جریان‌سازی‌های جنسیتی در دوره‌های مختلف زمانی و سیاسی، به نظریه "فراگرد خاکستری جنسیت" دست یافته است. مطابق نتایج تحقیق، در جریان‌سازی‌های جنسیتی کشور، ابهاماتی دیده می‌شود که می‌توان آنها را حول محور این نظریه تبیین کرد.

کلید واژه‌ها: مشارکت سیاسی زنان، توسعه پایدار، جریان سازی جنسیتی، فراگرد خاکستری جنسیت

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۳

^۱ هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ایران. behsad1@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات زنان، مطالعات نظری جنسیت، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، pardisameri27@gmail.com ایران.

مقدمه

توسعه پایدار به معنای ارتقاء جامعه در تمام عرصه‌ها برای دستیابی به زندگی بهتر است و برای نیل به این هدف باید مشارکت سیاسی کامل اعضاء از جمله زنان به عنوان نیمی از اعضاء جامعه تحقق یابد. شاخص‌های معینی در مسیر حرکت به سوی توسعه پایدار وجود دارند، که از مهمترین این شاخص‌ها مشارکت همه جانبه و فعال زنان و کم شدن شکاف جنسیتی در جوامع می‌باشد. طی چند دهه‌ی گذشته زنان ایرانی با گسترش آموزش عالی، توانمندی‌های خود را ارتقا داده‌اند به صورتی که دیگر نمی‌توان آنان را در حاشیه‌ی مناسبات سیاسی و اجتماعی نگه داشت. انگلس^۱ در کتاب منشا خانواده مالکیت خصوصی و دولت^۲ (۱۸۸۴) اظهار داشته است که «سرنگونی حق مادری و مادرسالاری در نتیجه سلطه مردان به معنی شکست تاریخی جنس زن بوده است». در اوایل قرن نوزدهم با ایجاد تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای غربی، جنبش زنان شکل گرفت که خواهان بهره‌مندی زنان از تمام حقوق شهروندی بود. به مرور زمان یک شیوه جدید تفکر در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ آشکار شد که حاصل آن گفتمانی جنسیتی با مطالباتی آشکار بود که یکی از این مطالبات افزایش مشارکت سیاسی زنان ابراز می‌شد (عامری، ۱۳۹۳). هم‌زمان با انقلاب صنعتی اروپا و انقلاب مشروطیت در ایران، مفاهیم قانون و حاکمیت ملت بر سرنوشت خود به وسیله نمایندگان منتخب مردم مطرح شد. در انقلاب مشروطه، زنان ایرانی فعالانه شرکت داشتند و بخشی از یک جنبش بزرگ ملی و در حقیقت «خرده جنبش» بودند و هدفشان اجرای قانون اساسی بود (بشیری، ۱۳۷۰: ۲۸۹) ولی پس از صدور فرمان مشروطیت، در تنظیم قانون اساسی ذکری از زنان نشد. اقدامات رضاشاه نیز برای تغییر چهره اجتماعی زنان ایران، با وجود موانعی چون فقدان جامعه مدنی و مخالفت سنتی باعث شد تا تضادهای اجتماعی در برخورد با مدرنیته، اشکال خشونت‌آمیزی به خود بگیرند، اما باعث به وجود آمدن قشری از زنان تحصیل کرده شد. در سال ۱۳۴۱ ه.ش لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که بر اساس آن زنان حق رأی داشتند، در هیئت وزیران تصویب شد (نجاتی، ۱۳۷۱: ۲۲۲). اما زمانی که به پارلمان راه یافتند حضوری سمبولیک داشتند. در جریان انقلاب ۵۷ از همان ابتدای شکل‌گیری حرکت‌های انقلابی، مشارکت زنان هم دیده شد (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۲۶) ولی بعد از پیروزی انقلاب، قانون حمایت از خانواده، اولین قانونی بود که نسخ شد.

^۱. Friedrich Engels

^۲. The Origin of the Family, Private Property and the State

زنان در دوران جنگ تحمیلی به فعالیت‌های پشتیبانی، امدادگری و امور خانواده‌های شهدا، رزمندگان و مجروحان جنگی رسیدگی می‌کردند. در دوران سازندگی اولین حکم مشاور ریاست جمهوری در امور زنان به شهلا حبیبی اعطا شد. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ یعنی هم‌زمان با آغاز به کار دولت محمد خاتمی، تشکل‌ها و احزاب سیاسی افزایش یافتند. با رشد احزاب، نقش زنان بیشتر شد، ولی به دلیل غالب بودن فضای مردسالار در جامعه، آنها نتوانستند جایگاهی برابر با مردان کسب کنند. در سال ۱۳۷۷، دفتر امور بانوان نهاد ریاست جمهوری، به مرکز امور مشارکت زنان تغییر نام داد و جایگاه آن نیز از مشاورت به معاونت تغییر یافت و زهرا شجاعی به عنوان مشاور رئیس‌جمهور، به ریاست این مرکز انتخاب شد. در انتهای دولت اصلاح طلب محمدخاتمی، رشد مدیریت زنان ۶۳ درصد اعلام شد اما او به رغم وعده‌های اولیه‌ی خود، با «ریسک خواندن استفاده از زنان در سطوح مدیریت کلان» به تمام بحث‌ها خاتمه داد. در دولت‌های اصول‌گرای نهم و دهم، اکثر مدیران زن جای خود را به مدیران مرد دادند. «مرکز امور مشارکت زنان در نهاد ریاست جمهوری» به «مرکز امور زنان و خانواده» تغییر نام داد. لایحه‌ی تقلیل ساعت کاری بانوان و ارائه‌ی طرح دورکاری زنان شاغل در روزهای پنجشنبه و استخدام زنان به صورت پاره‌وقت، در دوره ۸ ساله ریاست دولت محمود احمدی نژاد ارائه شد. حسن روحانی، رئیس دولت اعتدال‌گرای یازدهم، در جریان تبلیغات انتخاباتی، وعده‌هایی در راستای افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان، مانند تشکیل وزارتخانه زنان داده بود، اگر چه در نخستین قدم سمت مسئولیت امور زنان کشور را از مشاوره رئیس‌جمهور، به معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده ارتقا داد ولی تا به امروز آنچه باید را در این حوزه انجام نداده است.

بیان مسأله

توسعه به معنای ارتقاء نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و تغییر در تمام ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه به گونه‌ای است که در شیوه زندگی و برخورداری از رفاه اجتماعی همه افراد جامعه، اثر مثبتی گذاشته شود (قاضیان، ۱۳۸۱). این فرآیند با هدف پیشرفت در مواردی همچون ظرفیت‌سازی، عدالت و نظم اجتماعی، فرهنگ سیاسی سالم و رضایت عمومی است و از شاخص‌های اصلی آن افزایش مشارکت، اعضای جامعه است. مشارکت سیاسی، به معنای امکان حضور اعضای جامعه در امور تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است و در دو

سطح شرکت در انتخابات و نیز عضویت در احزاب و تشکل‌های اجتماعی یعنی قرار گرفتن در مناصب عالی در مجلس و قوه مجریه معنا می‌یابد (نیک‌گهر، ۱۳۵۳). این نوع مشارکت، درگیر شدن در سطوح متفاوت فعالیت در نظام سیاسی، از سطوح خرد تا مقام‌های رسمی سیاسی است (راش، ۱۳۷۷). در گزارش دفتر توسعه انسانی سازمان ملل متحد از اقدامات کشورهای خاورمیانه پیرامون میزان اهتمام دولت‌ها برای تحقق اهداف برنامه‌های توانمندسازی جنسیتی در سال ۲۰۰۹، حضور و مشارکت زنان ایرانی در عرصه سیاسی نسبت به مردان پایین برآورد شد. از این رو بررسی علل کم‌رنگ بودن مشارکت سیاسی زنان به ویژه در سطح نخبگان و تلاش برای رسیدن به راهکارهایی که این مشارکت را به حد مطلوب با استانداردهای جهانی برساند ضروری است. در پژوهش حاضر به نقش و اهمیت مشارکت سیاسی زنان در فرآیند توسعه پایدار کشور، از خلال قانون اساسی، اهداف چشم انداز و اسناد توسعه کشور، وقایع تاریخی معاصر، نظریات و و سخنان سیاستمداران سه دوره‌ی اخیر پرداخته می‌شود. اهداف اصلی این پژوهش شامل شناسایی نحوه بازنمایی و عوامل اثرگذار در مشارکت سیاسی زنان در اسناد توسعه، قوانین و سخنان مسئولان و فعالان سیاسی در دو پرسش اصلی زیر پاسخ داده خواهد شد:

- ۱) مشارکت سیاسی زنان در اسناد توسعه کشور و سخنان فعالان و مسئولان چگونه دیده می‌شود؟
- ۲) چه عواملی در بازنمایی اهمیت مشارکت سیاسی زنان ایرانی در توسعه پایدار کشور، تأثیرگذار هستند؟

مبانی نظری

مشارکت سیاسی: برخی مشارکت سیاسی غربی را روش‌های قانونی تأثیر شهروندان بر حاکمیت تعریف کرده، و عقیده بعضی دیگر، قانونی بودن شرط مشارکت نیست و مشارکت گاهی می‌تواند غیر قانونی باشد. بنابر تعریف ساموئل هانتینگتون، مشارکت سیاسی عبارت است از: «فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطوح توده و نخبگان» (هانتینگتون، ۱۳۷۳). آنتونی گیدنز در توصیف مشارکت سیاسی به مردم‌سالاری اشاره می‌کند و آن را نظامی می‌داند که در آن تصمیمات به طور جمعی توسط

کسانی که این تصمیمات بر زندگیشان تأثیرگذار است گرفته می‌شود. آلن پیرفت^۱ معتقد است که مشارکت مورد مشورت قرار گرفتن قبل از تصمیم‌گیری را می‌گویند به نحوی که اظهار نظر مشخص و اعمال مراقبت در جریان اجرایی این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشند (نیک گهر، ۱۳۵۰: ۷۰).

جنبش‌ها و مطالبات زنان: فمینیسم به برابری زن با مرد در تمامی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تعبیر می‌شود. این جنبش در دو مرحله رخ داد که مرحله آغازین آن از اول قرن نوزدهم میلادی شروع شد و توجه فمینیست‌ها به حقوق مدنی و سیاسی برابر با مردها و برخوردار شدن زنان از حق رای بود و مرحله دوم آن پس از جنگ جهانی اول آغاز شد و خواستار برابری کامل زن و مرد در تمام حوزه‌های مدنی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بود.

توسعه و توسعه پایدار: توسعه به معنای ارتقاء مستمر نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا به عبارتی تغییر در تمام ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه به گونه‌ای است که در تمام ابعاد زندگی اعضاء آن جامعه، از جمله شیوه زندگی و برخوردار شدن از رفاه اجتماعی اثر مثبتی گذاشته شود (قاضیان، ۱۳۸۱). توسعه پایدار، نیروی محرکه پیشرفت هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها است.

مرور تئوریک:

نظریات ابزاری: نظریه‌های ابزاری مشارکت را وسیله‌ای برای نیل به یک هدف یا پیشبرد فرد یا گروهی از افراد و سدی در برابر استبداد قلمداد می‌کنند. زنان به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه حق دارند که در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داشته باشند و از این طریق مشارکت آنها در مسائل سیاسی، باعث حاصل شدن نتایج بهتری برای حکومت می‌شود (راش، ۱۹۹۹).

نظریات فرهنگی: نظریه‌های فرهنگی، به بررسی اثرات تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی به موضوع مشارکت زنان می‌پردازند. در جوامعی که موانع قانونی برای مشارکت زنان در امور سیاسی از بین رفته، اما تفاوت چشمگیر حضور زنان و مردان در سیاست همچنان دیده می‌شود. نشانگر محدودیت فرهنگی اختیاری است که سیاست را مردانه تلقی کرده و انتظارات مربوط به تعهد زنان را تنها به خانواده و خدمات جامعه تقویت می‌کند (موحد، ۱۳۸۲).

نظریات انتقادی: ظهور رویکردهای انتقادی پاسخی به نارسایی‌های دیدگاه‌های کارکردی-ساختاری بود. با نقد مناسبات قدرت و روابط طبقات حاکم بر ساختار اجتماعی، به مشارکت به

^۱. Alain Peyrefitte

عنوان فرایندی که ناظر به دیالکتیک نیروهای اجتماعی و عمل فردی و ضرورت اتحاد گروه‌های تحت ستم جهت عمل مشترک برای رهایی از سلطه است می‌نگرند (پیران، ۱۳۷۶). نظریات فمینیستی: کیت میل^۱ در کتاب سیاست جنسیتی خود (۱۹۷۰)، سیاست را روابط مبتنی بر قدرت یعنی نظم و ترتیبی که به موجب آن گروهی از افراد زیر سلطه‌ی گروهی دیگر قرار می‌گیرند تعریف می‌کند (ابوت و والاس، ۱۳۷۶: ۲۰۰). دورتی اسمیت نیز دلیل اصلی رویکردهای تحقیقاتی و علمی را که کمتر به مسائل زنان پرداخته‌اند، بی‌توجهی جامعه‌شناسی نسبت به مسائل و علایق زنان اعلام کرده است (ریتزر، ۱۳۷۴). استدلال فمینیست‌ها این بود که جامعه‌شناسان بر حوزه‌ی عمومی دولت و محل کار تأکید کرده‌اند ولی در زمینه‌ی خانه و روابط حاکم بر آن بی‌توجهی کرده‌اند (ابوت و والاس، ۱۳۷۶) به اعتقاد فمینیست‌ها، دور نگه داشتن زنان از مواضع قدرت و بازداشتن آنها از تولید دانش بدان معناست که ایدئولوژی مردانه، حاکم است و چون مردان مواضع قدرت را در اختیار گرفته‌اند، قادرند فمینیست را به حاشیه برانند (ابوت و والاس، ۱۳۷۶).

نظریه خشونت نمادین بوردیو: بوردیو با درآمیختن دو دیدگاه عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی سعی می‌کند مفاهیمی همچون میدان^۲، عادت‌واره^۳ و سرمایه، را در جریان پیدایش و بازتولید تمایزات اجتماعی از طریق فرایند بازساخت موقعیت‌های اجتماعی توصیف کند. در رویکرد بوردیو، عادت‌واره ساخت‌یافته هر عامل با عادت‌واره ساخت‌یافته عاملان دیگر براساس میدان اجتماعی که به آن تعلق دارند متفاوت است و به صورت تدریجی، بازتولید می‌شوند (بوردیو، ۱۳۸۹). مطابق این نظریه، افراد به دلیل داشتن عادت‌واره و تحت تأثیر آگاهی‌های خود به شرایط اجتماعی پاسخ می‌دهند، که ممکن است حتی با جایگاه زندگی فرد همخوانی نداشته باشد و در این صورت شاهد ظهور تحرک اجتماعی هستیم (استونز^۴، ۲۰۰۸).

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش نظریه‌مبنایی به هدف رسیدن به نظریه‌ای متناسب با شرایط بومی کشور باشد، استفاده شد. داده‌ها از میان اسناد، کتب و نتایج پژوهش‌های پیشین و مصاحبه‌های

1. Kate Millett

2. Field

3. Habitus

4. Stones

مسئولان دولت‌های اصلاح‌طلب، اصول‌گرا و اعتدال‌گرا جمع‌آوری شد و ابزار گردآوری این داده‌ها، شامل مقالات، مصاحبه‌ها، مجلات، سخنان ثبت شده معتبر و سخنرانی‌های موجود در روزنامه‌های کثیرالانتشار، سایت‌های رسمی قابل دسترسی عموم است. پردازش و تحلیل داده‌ها با سه روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت می‌گیرند. جمع‌آوری و تحلیل همزمان داده‌ها، کدگذاری باز است که در آن ایجاد مقوله‌ها همزمان با آغاز کدگذاری باز صورت می‌گیرد. کدگذاری محوری با اندیشیدن در ابعاد مقوله‌ها پیوندهای میان آنها را می‌یابد و کدگذاری گزینشی نیز همان انتخاب مقوله اصلی است که پژوهش را به سوی نظریه‌پردازی رهنمون خواهد کرد. روش نمونه‌گیری نظری به دلیل جمع‌آوری داده‌ها با حداکثر تنوع انتخاب شد. تعداد و مشخصات نمونه‌های انتخاب شده برای جمع‌آوری داده‌های لازم و تجزیه و تحلیل این داده‌ها، همزمان با اشیاع نظری مشخص شد.

یافته‌ها

برای پاسخ به دو سوال اصلی چندین مقوله با تحلیل و کدگذاری قوانین، اسناد و سخنان مسئولان و فعالین سیاسی در دولت‌های اصلاح طلب، اصولگرا و اعتدال محور حاصل شدند که در چهار سطح شریطی-علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای-تعاملی و پیامدی دسته بندی شدند. در جدول ۱ مقولات طبقه بندی و به مفاهیم سازنده آن‌ها به اختصار اشاره شده است.

جدول ۱: طبقه بندی مقولات و مفاهیم سازنده

| مقولات اصلی | مقولات فرعی | مفاهیم سازنده مقولات |
|-------------|---------------------|--|
| شرایطی-علی | زمینه‌های فرهنگی | زیرساخت فرهنگی / عدم وجود شاخصه‌های آرمان‌گرایی فرهنگی / نابرابری جنسیتی نهادینه شده |
| | زمینه‌های اجتماعی | عدم دستیابی یکسان به منابع / مشروعیت بخشی به هویت اجتماعی زنان / بسترسازی اجتماعی |
| مداخله گر | پشتیبانی‌های قانونی | حمایت‌های قانون اساسی / حمایت‌های سند چشم‌انداز کشور / حمایت‌های مجلس |
| | پشتیبانی‌های دولتی | حمایت‌ها در اسناد توسعه کشور / حمایت‌ها در آیین‌نامه‌های اجرایی |

| | |
|---|---|
| تغییر سیاست‌گذاری‌ها | جریان‌سازی جنسیتی/ مغفول ماندن نقش مشارکت سیاسی زنان در توسعه پایدار |
| رویکردهای متغیر حاکم | عدم سیاست‌گذاری کارساز در افزایش مشارکت سیاسی زنان |
| واکنش‌ها به بازنمایی اهمیت مشارکت سیاسی زنان در توسعه پایدار کشور | بهره‌گیری از مصادیق رسمی ضرورت عدالت اجتماعی در تدوین اسناد توسعه/ مشارکت ابزاری |
| بازدارنده‌های واکنشی به بازنمایی اهمیت نقش مشارکت سیاسی زنان در توسعه پایدار کشور | خشونت نمادین / نامطلوب انگاشته شدن سرمایه اجتماعی زنان/ فرهنگ غالب مردسالار |
| سنخ‌های پیامدی مثبت و سازنده | تبیین مشارکت سیاسی زنان به مثابه شاخص توسعه‌ی پایدار/ ضرورت توانمندسازی زنان/ گسترش عدالت جنسیتی در جامعه |
| سنخ‌های پیامدی منفی و مخرب | انزوای سیاسی زنان به منزله مکانیزم مقابله‌گر توسعه نیافتگی |

جدول ۱ مقولات اصلی و فرعی یافت شده در پژوهش و مفاهیم سازنده هر کدام در جدول ذکر شده‌اند.

مقولات شریطی:

زمینه فرهنگی: فرهنگ نظامی اجتماعی و پویا است که در روند تکامل اجتماعی، برای انطباق بیشتر با محیط اجتماعی و ادامه زندگی بهتر از سوی انسان جمعی آفریده و پرورده شده است و در میزان مشارکت سیاسی زنان و ارزش این مشارکت در فرآیند توسعه پایدار کشور، اثرگذار است. سه زیر مقوله یافت شده، زیرساخت فرهنگی، فقدان شاخصه‌های آرمان‌گرایی فرهنگی و مقوله فرهنگ نهادینه شده‌ی مبتنی بر نابرابری جنسیتی هستند. زیرساخت‌های فرهنگی، شامل عقاید، آگاهی‌ها، ارزش‌ها، هنجارهایی هستند که ناآگاهانه یا با آموزش به افراد منتقل شده و صورتی جمعی پیدا می‌کنند. در بند ۱۸ سند چشم‌انداز بیست ساله کشور هم تأکید غیرمستقیم در این زمینه دیده می‌شود: «ضرورت گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون (ضرورت اصلاح فرهنگ مشارکت همگانی - ضرورت اصلاح کلیشه‌های فرهنگی رایج) و مشارکت عمومی (ضرورت فرهنگ‌سازی مشارکت همگانی) و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردمی (ضرورت فرهنگ‌سازی مشارکت همگانی)». همچنین حسن روحانی

رییس دولت اعتدال‌گرا نیز در بخشی از وعده‌های انتخاباتی خود بیان داشته است: «در دیدگاه اسلام و انقلاب اسلامی، زنان و مردان دارای برابری کامل هستند (استقرار زیرساخت فرهنگ دینی - عدالت جنسیتی در چهارچوب فرهنگ دینی)». در تحقیق حاضر نتایج تحلیل داده‌ها، نمایان‌گر فقدان شاخصه‌های آرمان‌گرایی فرهنگی است، چرا که برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مختلف علی‌رغم مبتنی بودن بر اصول ثابت قانون اساسی کشور، همواره تحت تأثیر رویکرد دولت‌های حاکم تغییر کرده‌اند. در قسمتی از اصل ۲۰ قانون اساسی اشاره به تساوی حقوق همه افراد کشور شده است، دیده می‌شود: «... مشروط به اینکه موازین اسلام را رعایت نمایند (تساوی حقوق در چهارچوب فرهنگ دینی - فقدان شاخصه‌های آرمان‌گرایی فرهنگی در قانون اساسی)». (پایگاه اینترنتی افسران جوان، ۱۳۹۳). محمد خاتمی ریاست جمهوری دولت‌های اصلاح طلب نیز در بخشی از سخنان خود به این مقوله این‌گونه توجه داشته است: «زنان ما باید در عین حفظ معیارهای دینی و فرهنگی خود (استمرار باورها و خرده فرهنگ‌ها - فقدان آرمان‌گرایی فرهنگی)، آمادگی حضور بیشتر در عرصه اجتماع (مشارکت زنان در چهارچوب فرهنگ دینی) و انجام فعالیت‌ها و مسئولیت‌های جدید را داشته باشند (ضروری دیده شدن مشارکت زنان - فقدان شاخصه‌های آرمان‌گرایی فرهنگی)» (گرامی زادگان، ۱۳۸۴: ۳۹۲). مقوله فرهنگ نهادینه شده‌ی نابرابری جنسیتی هم می‌تواند تا حد زیادی بر کم و زیاد شدن مشارکت زنان و بازنمایی اهمیت این مشارکت در توسعه‌ی پایدار و پیشرفت همه جانبه‌ی کشور، اثر گذارد. خاتمی در این زمینه اظهار داشته است: «اگر در جهانی که تغییر و تحول یافته است (نواندیشی فرهنگی در جهان امروز - اصرار فرهنگ سنتی بر استمرار نابرابری‌های جنسیتی) ما تغییر نکنیم و بخواهیم برخی امور رسوب شده و فسیل شده‌ای را که زمان آن گذشته است به نام اسلام در جامعه تحمیل کنیم، آنکه زیان می‌کند اسلام است (آثار هنجارهای فرهنگی مسلط بر رفتار عمومی جامعه - تخریب دین با استمرار فرهنگ نابرابری جنسیتی). جامعه تغییر می‌کند و ما هم باید خود را با این تغییرات مطابقت دهیم (نواندیشی فرهنگی در جنسیت)». حسن روحانی رییس دولت اعتدال‌گرا هم که در زمان رقابت انتخاباتی خود به عنوان وعده بیان داشته بود: «زنان ما مانند مردان دارای حقوق اجتماعی هستند، کسی به نام اسلام، حقوق زنان ما را تضییع نکند». او درباره عدم حضور سیاسی فعال زنان در کابینه گفته است: «استفاده نکردن از زنان در کابینه، به دلیل شرایط خاص کشور بوده است (مقاومت فرهنگ نهادینه شده

نابرابری جنسیتی در برابر اصلاح- استمرار نگرش سنتی مبتنی بر عدم توان زنان در امور سیاسی)».

زمینه‌های اجتماعی: زیر مقوله‌های حاصل شده در این زمینه، عدم دستیابی یکسان به منابع، مشروعیت بخشی به هویت اجتماعی زنان و بسترسازی اجتماعی هستند. با توجه به شرایط اجتماعی، سه عامل اصلی قدرت، طبقه اجتماعی و منزلت که در حقیقت معیار تشخیص دستیابی افراد و گروه‌ها به منابع و امکانات هستند و عدم برخورداری از آنها به منزله محرومیت افراد و گروه‌ها است. این معیارها مسئله اثر عدم دستیابی یکسان به منابع را در میزان مشارکت سیاسی زنان توضیح می‌دهند. قدرت، ماهیتی دوگانه دارد که از یکسو به کردار عاملان و از سوی دیگر بر ساختارهای اجتماعی تکیه می‌کند (گیدنز، ۱۷: ۱۹۸۴-۱۴). در نتیجه طبقه‌بندی اجتماعی، افراد در موقعیت‌های بالاتر و یا در شرایط محرومیت قرار می‌گیرند. از اسناد بررسی شده می‌توان به ماده ۱۰۱ سند توسعه چهارم اشاره کرد: «تساوی مزد برای زنان در مقابل مردان، توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت شغلی برابر (ضروری دیده شدن برابری جنسیتی در توزیع منابع- ضروری دیده شدن عدالت جنسیتی- ضروری دیده شدن توانمندسازی توسعه‌محور زنان)». حسن روحانی رییس دولت اعتدالگرا نیز در دوران قبل از پیروزی انتخاباتی خود بیان کرده بود: «در دولت تدبیر و امید، در فرصت‌های اجتماعی فرقی بین زنان و مردان وجود نخواهد داشت (عدالت جنسیتی در توزیع برابر فرصت‌ها- ضروری دیده شدن اهمیت منزلت اجتماعی زنان)». همچنین او بیان داشته است: «در دولت تدبیر و امید حقوق اجتماعی زنان همانند حقوق اجتماعی مردان خواهد بود (عدالت جنسیتی در حقوق همگانی- عدالت جنسیتی در توزیع منابع). مقوله دیگری که شناسایی شد، هویت اجتماعی مشروعیت بخش است. این نوع هویت، توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود و با قرار دادن اجباراتی در شکل و محدوده فعالیت‌های اجتماعی افراد، تلاش می‌کند که سلطه‌ی آنها را گسترش داده و عقلانی جلوه دهد (کاستلز، ۱۳۸۰). به گزارش ایسنا مولاوودی مشارکت در انتخابات و عضویت در احزاب و تشکلهای آنها را از جمله متغیرهای توانمندسازی سیاسی زنان دانسته است: «افزایش عزت نفس، استقلال فکری، احساس قدرت، افزایش اعتماد به نفس و احساس کارآمدی در بعد توانمندی روانی مورد توجه است» (ضرورت بازتعریف هویت اجتماعی زنان- توانمندسازی زنان در راستای هویت بخشی اجتماعی) (پایگاه خبری آفتاب، ۱۳۹۳). حسن روحانی هم در همایش بانوی انقلاب که ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ برگزار شد، بیان داشت: «زن و مرد در مسائل اجتماعی

تفوق ذاتی بر یکدیگر ندارند (برابری ارزش اجتماعی زن و مرد)» (پایگاه خبری تسنیم، ۱۳۹۲). او در بخش‌هایی از همین سخنان خود با تأکید بر ضرورت مشارکت سیاسی زنان در کشور گفته است: «در حالی که تا پیش از خرداد ۱۳۴۲ سراغی از زنان در نهضت‌ها و رویدادها نیست (موانع سنتی اجتماعی در حضور سیاسی زنان)، قیام ۱۵ خرداد قم را باید مرهون قیام زنانی بدانیم که با چادر به جمع اجتماع‌کنندگان در حرم حضرت فاطمه معصومه^(س) پیوستند و آن اجتماع را به نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی تبدیل کردند (مشروعیت‌بخشی به مشارکت زنان - ضروری دیده شدن مشارکت سیاسی زنان با محور توسعه)». روحانی در قالب وعده‌های انتخاباتی خود گفته بود: «عدالت به این معنا است که برای کل مردم و اتباع ایرانی اعم از زن و مرد فرصت یکسان فراهم شود (ضرورت بسترسازی اجتماعی با محور عدالت جنسیتی - تبیین ضرورت عدالت اجتماعی در مشارکت همگانی)». (پایگاه اینترنتی ریاست جمهوری، ۱۳۹۴). همچنین او بیان داشته بود: «همه مردم کشور از هر قبیله و نژاد ترک، لر، عرب، بلوچ و ترکمن باید این را احساس کنند که از حقوق عادلانه برخوردار هستند (ضرورت بسترسازی مشارکت همگانی) تا زمینه برای مشارکت همه مردم فراهم شود (بسترسازی مشارکت همگانی توسعه‌محور) و با اعتماد کامل در بخش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند و این مشارکت نباید فقط برای ۲۲ بهمن و انتخابات باشد (ضرورت بسترسازی در مشارکت کامل همگانی - عدالت اجتماعی در مشارکت همگانی)». (پایگاه خبری تسنیم، ۱۳۹۲). الهه کولایی با اشاره به اسناد بین‌المللی مربوط به زنان می‌گوید: «در این اسناد آمده است که با حضور زنان امکان اجرایی کردن سندهای مربوط به برابری زنان و مردان و رفع خشونت علیه زنان میسر است (مشارکت فعال زنان به مثابه بسترسازی اجتماعی - بسترسازی برابرگرای اجتماعی برای رفع خشونت علیه زنان)». تغییرات رویکردها همواره منجر به جریان‌سازی‌های مختلفی در جامعه می‌شوند (پایگاه خبری گفت و گو، ۱۳۹۲).

مقوله‌های شرایط مداخله‌گر

شرایط علی را تخفیف، شدت یا تغییر می‌دهند و با عمل/تعامل به آنها پاسخ داده می‌شود (استرواس و کوربین، ۱۹۷۰: ۱۵۴).

پشتیبانی‌های قانونی: شامل قوانین حمایتگر در قانون اساسی، سند چشم‌انداز کشور و حمایت‌های مجلس شورای اسلامی هستند. در حوزه زنان اقداماتی که مؤثر هستند، از مجرای قوانین و اصلاحات قانونی صورت می‌گیرند. در اصل ۲۰ قانون اساسی به صراحت آمده است که:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند (تساوی همگانی در پیشگاه قانون) و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (تساوی همگانی همه جانبه در پیشگاه قانون) برخوردارند، مشروط به اینکه موازین اسلام را رعایت نمایند (موازین اسلام به مثابه‌ی حریم قانونی مشارکت- حمایت قانون در چهارچوب فرهنگ دینی)». همچنین در ماده ۱ اصل ۲۱ قانون اساسی مختص به حقوق زنان، ذکر شده است: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید (الزام قانونی دولت به عدالت جنسیتی) و یکی از این فعالیت‌ها، ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن (اجبار قانونی دولت به توانمندسازی زنان) و احیای حقوق مادی و معنوی او است (اجبار قانونی دولت‌ها به احقاق حقوق زن)». در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، در تعریف جامعه ایرانی آرمانی مواردی همچون موارد ذیل آمده است: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی (شرط قانونی اخلاق‌مداری در همه عرصه‌ها)، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی (عدالت اجتماعی توسعه‌محور- برابری جنسیتی توسعه‌گرایانه- مشارکت سیاسی همگانی به مثابه‌ی توسعه‌یافتگی)، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها (عدالت اجتماعی توسعه‌محور قانونی) و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی. در بخش امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی و در بند ۱۲ سند چشم‌انداز هم این مورد دیده می‌شود: «ضرورت تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی (الزام قانون به عدالت اجتماعی) و ایجاد فرصت‌های برابر (حمایت قانونی از برابری اجتماعی) و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش (الزام قانونی دولت‌ها به توانمندسازی همگانی)، سلامت، تامین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد.» (پایگاه اینترنتی مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۸۵). در اصلاح ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (مصوب ۱ آذر ۱۳۷۷) به زنان اجازه داده شد که در نیروی انتظامی و در مشاغل لازم استخدام شوند (راهبردهای قانونی افزایش مشارکت سیاسی عالی زنان).

پشتیبانی‌های دولتی: دو زیر مقوله مهم نمود حمایت‌های دولتی در اسناد توسعه کشور و نمود حمایت‌ها در آیین نامه‌های اجرایی در این مقوله اصلی یعنی پشتیبانی‌های دولتی جای گرفته‌اند. در بند اول ماده ۱۵۸ برنامه سوم توسعه تأکید شده است: «کلید برنامه‌های دولت که از طریق مرکز امور مشارکت زنان پی‌گیری می‌شود، باید در جهت زمینه‌سازی برای انجام نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده باشد (حمایت دولت از مشارکت توسعه‌گرای

زنان- حمایت دولت از نقش زن در توسعه از خلال تنظیم اسناد» (پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۰). این بند دارای مفاد آیین‌نامه اجرایی مفیدی در راستای افزایش مشارکت زنان است. در ماده ۷۹ سند توسعه چهارم، تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار با همکاری سایر سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و تشکّل‌های غیردولتی در نظر گرفته شده است (الزام دولت به سیاست‌گذاری توانمندسازی زنان). در تبصره ماده ۱۱۱ این سند هم آمده است که: «کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف هستند که اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده را که مرتبط با وظایف قانونی آنها است در لوائح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش‌بینی و اقدام‌های لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند (الزام نهادهای کشوری به احقاق حقوق زنان- ضروری دیده شدن گسترش مسئولیت‌های مراکز فعال زنان)». (پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۰). در تعریف و شناسایی مفاهیمی که زیرمقوله نمود حمایت‌ها در آیین‌نامه‌های اجرایی را ساخته اند می‌توان به بند اول ماده ۱۵۸ برنامه سوم توسعه اشاره کرد (پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۰). در این ماده تأکید شده است: «کلیه برنامه‌های دولت که از طریق مرکز امور مشارکت زنان پیگیری می‌شود، باید در جهت زمینه‌سازی برای انجام نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده باشد (تحقق توسعه‌ی پایدار از رهگذار مشارکت زنان- ضرورت بازنمایی نقش زن در توسعه)». همچنین در این آیین‌نامه آمده است که: «با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، حوزه‌های علمیه، مراکز علمی و پژوهشی و سازمان‌های غیردولتی برای سازماندهی طرح‌های مطالعاتی در خصوص مسایل و نیازهای زنان تمهیدات لازم را به عمل آورد (ضرورت سیاست‌گذاری‌های دولتی برای آسیب‌شناسی مسائل زنان- الزام قانونی دولت برای توجه ویژه به نقش مشارکت زنان در توسعه پایدار)».

مقوله‌های شرایط زمینه‌ای - تعاملی

تغییر سیاست‌گذاری‌ها: خاتمی در دوران ریاست جمهوری خود بیان داشته بود: «حضور زنان در عرصه‌های مختلف اهمیت دارد (بازنمایی ضرورت حضور زنان در فرایند توسعه- جریان سازی‌های جنسیتی مشارکت زنان). بینش سنتی ما به زن می‌گوید در خانه بنشین و هیچ فعالیتی نکن (نفی نگاه افراطی سنتی) از طرف دیگر زنان می‌خواهند در رقابت با مردان و در خلق آثار و توانایی‌ها برابری کنند. این امکان ندارد (بازنمایی ضرورت توانمندسازی زنان). باید شرایط مناسب و مساعد و مساوی فراهم شود تا ببینیم آیا زنان هم شایسته هستند یا نیستند

(بازنمایی ضرورت عدالت جنسیتی). زنی که از تحصیل برقراری روابط اجتماعی و تمرین مدیریت اجتماعی محروم بوده است، واضح است که توانایی لازم را ندارد (بازنمایی شاخصه‌های توانمندی- حمایت‌های برهه‌ای دولت- ضرورت توانمندسازی زنان). «پایگاه اینترنتی هفته نامه سیاسی فرهنگی اجتماعی ۹ دی، ۱۳۷۶). از وعده‌های دولت حسن روحانی می‌توان اشاره کرد که: «در دولت تدبیر و امید و فرصت‌های اجتماعی فرقی بین زنان و مردان وجود نخواهد داشت (بازنمایی برهه‌ای ضرورت توزیع برابر امکانات و فرصت‌ها).» او در سخنرانی‌های بعد از به ریاست جمهور رسیدن خود، همچنان بر موضوع لزوم مشارکت سیاسی زنان تأکید کرده است: «ما باید بدانیم حضور زنان در عرصه اجتماع فرصت است و تهدید نیست (حمایت مقطعی دولتی از مشارکت زنان- تلقی مشارکت زنان به مثابه‌ی ابزار توسعه) (پایگاه اینترنتی هفته نامه سیاسی فرهنگی اجتماعی ۹ دی، ۱۳۷۶).

تغییر رویکردهای حاکم: خانمی در دوران ریاست جمهوری خود تأکید داشته است که «دولت باید با وضع قوانین و پیاده کردن ساختار کارآمد، تا هر جا که قانون اساسی اجازه می‌دهد، زمینه‌ی حضور همه را فراهم آورد (ضرورت سیاست‌گذاری‌های مشارکتی).» اما در دو دولت بعد از محمد خاتمی می‌بینیم که محمود احمدی نژاد با ارائه لایحه به مجلس اظهار داشته است: «براساس این لایحه، ساعات کار زنان شاغل در ادارات دولتی کاهش می‌یابد و زمانی که مادران در خانه کار می‌کنند، جزئی از وظایف اداری آنها محسوب شود (ضروری دیده نشدن مشارکت سیاسی زنان در برنامه‌ریزی‌ها- عدم حمایت دولت از توزیع برابر منابع).» تغییر رویکردها و سیاست‌گذاری‌های مسلط، که در حقیقت منجر به مواردی همچون چون تغییر جهت و شدت جریان‌های جنسیتی، مفعول ماندن نقش زن در تحقق شاخصه‌های توسعه، می‌شوند، با سر کار آمدن هر دولت تا حد زیادی دچار تغییر شده است. در حقیقت با تغییر زمینه‌های موجود در جامعه و یا عدم ایجاد بستر مناسب برای تحقق مشارکت سیاسی کامل زنان بر میزان این مشارکت نیز اثر گذاشته می‌شود و در واقع کلیدی‌ترین مقوله در این بخش به جریان‌سازی‌های جنسیتی باز می‌گردد.

راهبردهای عمل/تعامل، کنش‌های هدفمندی هستند که برای حل یک مسئله و در پاسخ به آنچه در زندگی روزمره پیش می‌آید صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن این کنش‌ها، پدیده شکل می‌گیرد (استرواوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۵۵). در مطالعه حاضر این نتیجه حاصل شد که با سر کار آمدن دولت‌های مختلف در کشور، عمل/تعامل‌های متفاوتی صورت می‌گیرند.

واکنش‌ها به بازنمایی نقش مشارکت سیاسی زنان به مثابه ابزار توسعه پایدار: چند مورد در نمایش میزان اهمیت مشارکت سیاسی زنان در توسعه پایدار کشور، قابل تأمل هستند که شامل زیرمقوله های بهره‌گیری از مصادیق رسمی ضرورت عدالت اجتماعی در تدوین اسناد توسعه و هم چنین مشارکت ابزاری زنان می باشند. در حوزه مشارکت سیاسی زنان، آنچه همواره مورد توجه همه دولت‌ها بوده، تشویق آنها به رأی دادن و مشارکت در سطح توده، وعده‌هایی در قبل پیروزی انتخاباتی برای افزایش مشارکت زنان با حمایت دولت و قانون و امثال این موارد بوده است. در بخش اصلی از ماده ۱۱ برنامه توسعه چهارم آمده است که: «دولت مکلف است برای نیل به هدف تقویت نقش زنان در جامعه و ایجاد فرصت برای آنان، رویکرد و گسترش مشارکت همه جانبه از جمله مشارکت سیاسی آنها در کشور، اقدام‌های همچون تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان؛ را صورت دهد (الزام دولت به برنامه‌ریزی توسعه با محور مشارکت زنان)». حسن روحانی در بخشی از سخنان خود در همایش ملی زنان در این باره بیان کرده است: «با حضور زنان، حق زن، نقش و توان آنان شاهد جامعه‌ای بهتر و توسعه‌یافته‌تر خواهیم بود (تبیین نقش مشارکت زنان در تحقق اهداف توسعه‌ی پایدار همه جانبه)». (پایگاه اینترنتی روحانی، ۱۳۹۳). محمود احمدی نژاد در وعده‌های انتخاباتی اظهار کرده است که: «بسط توسعه سیاسی از طریق بالا بردن قدرت نقد و مشارکت مردم صورت می‌گیرد (ضرورت توجه به شاخص مشارکت در توسعه بدون ضمانت اجرایی- الزام دولت به حمایت از مشارکت همگانی- هضم زن در واژه مردم)». او در بخشی از سخنان خود نیز پذیرفته است: «چه اشکالی دارد یک خانم استاندار شود...»، حالی که عملاً در لایحه‌ها و سیاست‌گذاری‌های مختلف دو دوره دولت او، تأکید بر نقش زن در محیط خانه بوده است (ظاهرسازی سیاسی با هدف مشارکت ابزاری زنان- عدم درک حقیقی اهمیت مشارکت زنان در توسعه).

مقوله بازدارنده‌های واکنشی به بازنمایی نقش مشارکت سیاسی زنان به مثابه ابزار توسعه پایدار: در زمینه بازدارنده های عمل- تعاملی درباره مشارکت سیاسی زنان و بازنمایی صحیح نقش و اهمیت این مشارکت در توسعه شامل زیرمقوله های فرهنگ مردسالار، نامطلوب انگاشته شدن سرمایه اجتماعی زنان و همچنین خشونت هستند. مطابق نظر بوردیو افراد به دلیل داشتن عادت‌واره به شرایط اجتماعی خاصی پاسخ می‌دهند، عادت به نابرابری و هماهنگ شدن با مسائلی چون عدم دسترسی به برخی امکانات همچون امکان مشارکت سیاسی زنان در ایران، کم‌کم این عدم دسترسی برایشان نهادینه می‌شود. شهیندخت مولاوردی مشارکت در انتخابات

و عضویت در احزاب و تشکل‌ها را از جمله متغیرهای توانمندسازی سیاسی زنان دانسته است: «افزایش عزت نفس، استقلال فکری، احساس قدرت، افزایش اعتماد به نفس و احساس کارآمدی در بعد توانمندی روانی مورد توجه است (ضرورت رفع موارد خشونت‌های نمادین- ممانعت از گسترش حس عدم کارآمدی در میان زنان) و در بعد اجتماعی نیز شرکت و عضویت در انجمن‌های فرهنگی، علمی، مجالس مذهبی و فعالیت‌های گروهی مدنظر قرار می‌گیرد (ضرورت عدم گسترش خشونت نمادین)». (پایگاه خبری آفتاب، ۱۳۹۳). منصور می‌گوید: «شما به ندرت خانم‌هایی را پیدا می‌کنید که تحلیل سیاسی کنند (عدم عزت نفس حاصل از خشونت نمادین)». او در ادامه می‌گوید: «این نگاه و باور در جامعه پذیرفته شده که زن و مرد بیایند و به خانم‌ها رای بدهند. اما وقتی به انتخابات مجلس می‌رسیم یک دفعه با یک توقف و رکود مواجه می‌شویم. چون هنوز این موضوع به عنوان یک باور در جامعه ما پذیرفته نشده است (رای ندادن زنان به زنان- باور به توان کم سیاسی- خشونت نمادین نهادینه شده)». (پایگاه اینترنتی زنان نواندیش، ۱۳۹۳). روحانی در سخنان خود اظهار داشته است: «زنان جامعه ما در بسیاری از صحنه‌ها شایستگی‌های خود را اثبات کردند (ضرورت استفاده از سرمایه اجتماعی زنان در اهداف توسعه‌گرا- ضرورت تغییر باور عدم مطلوبیت سرمایه اجتماعی زنان)». در بخش‌هایی از ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنجم محورهای اصلی بهبود شرایط زنان این گونه آمده است: «...محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی-معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست. (نگاه مردمحور و سنتی مبنی بر خانه نشین کردن زنان- عدم توجه به افزایش مشارکت سیاسی و عالی زنان- عدم توجه به شاخص جمعیت در توسعه کشور)». (پایگاه اینترنتی ریاست جمهوری، ۱۳۹۴). همچنین آذر منصور می‌گوید: «فعال اصلاح‌طلب در مصاحبه با اعتماد گفته است: «واقعیت مشارکت سیاسی در کشور ما همان‌طور که گفته شد این است که سپهر سیاسی کشور متعلق به مردان است (تفکر غالب مرد سالارانه در کشور)». بنابراین نیروی بازدارنده‌ی تفکر مردسالارانه غالب بر جامعه مشهود است.

مقوله‌های پیامدی

پیامدها به ما می‌گویند که در نتیجه تعاملاتی که افراد در شرایطی خاص صورت داده‌اند، یا نتوانسته‌اند در پاسخ به موقعیتی خاص صورت دهند، چه پیش می‌آید. بنابراین کم و زیاد شدن

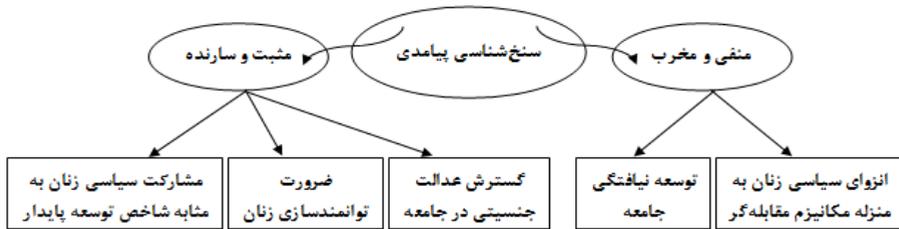
مشارکت سیاسی زنان در دوره‌های مختلف، تغییر نمود اهمیت این نقش در توسعه کشور منجر به بروز پیامدهایی می‌شوند. به طور کلی دو زمینه پیامدهای مثبت و منفی یافت شدند. مقوله‌های پیامدی مثبت

مقوله اصلی پیامدی مثبت شامل زیرمقوله‌های مهم تبیین مشارکت سیاسی زنان به مثابه شاخص توسعه پایدار، تبیین ضرورت توانمندسازی زنان و همچنین مقوله گسترش عدالت جنسیتی در جامعه هستند. در زمینه پیامد تبیین ضرورت مشارکت سیاسی زنان در فرآیند توسعه پایدار، در بند ۱۸ سند چشم‌انداز بیست ساله کشور می‌بینیم: «ضرورت گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردمی (تلقی مشارکت همگانی کامل به منزله ابزار توسعه- تبیین مشارکت سیاسی زنان به مثابه تحقق اهداف توسعه‌محور)». حسن روحانی در بخشی از سخنان و وعده‌هایش گفته است: «ما برای توسعه کشور نیاز داریم که همه ۷۵ میلیون نفر در مسیر توسعه کشور قرار گیرند (تأکید بر لزوم مشارکت همه جانبه‌ی زنان و مردان در توسعه کشور- تبیین ضرورت مشارکت سیاسی زنان در توسعه کشور)». همچنین او گفته است: «ما معتقدیم کشوری که در رقابت‌های جهانی عقب بماند به ملتش ظلم کرده است (ضرورت توجه به مشارکت‌های توسعه محور، برای جلب آراء مردم- درک عقب‌ماندگی جامعه در مسیر توسعه با فقدان مشارکت سیاسی زنان)». تبیین ضرورت توانمندسازی زنان نیز از مقولات مهم و اساسی پیامدی مثبت است که از خلال آموزش دیده می‌شود. در ماده ۱ از اصل ۲۱ قانون اساسی اشاره شده است که: «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او (ضرورت توانمندسازی زنان در ارتقاء کشور)». در سند توسعه اول کشور و بخش‌های مرتبط با آن، موارد قابل تاملی دیده می‌شوند: «بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، به خصوص افزایش ضریب پوششی تحصیلی دختران لازم‌التعلیم و اعتدالی موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش (ضرورت بسترسازی توانمندسازی زنان- گسترش آموزش برای اعتدالی زنان)». در بعضی اسناد، به طور صریح به عدم اهمیت جنسیت در مشارکت سیاسی مردم اشاره شده است. در اصل ۱۱۴ قانون اساسی آمده است که «رییس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است (عدالت جنسیتی در قانون اساسی برای مشارکت سیاسی عالی)». همچنین در اصل ۲۰ قانون اساسی آمده است که: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند و از همه

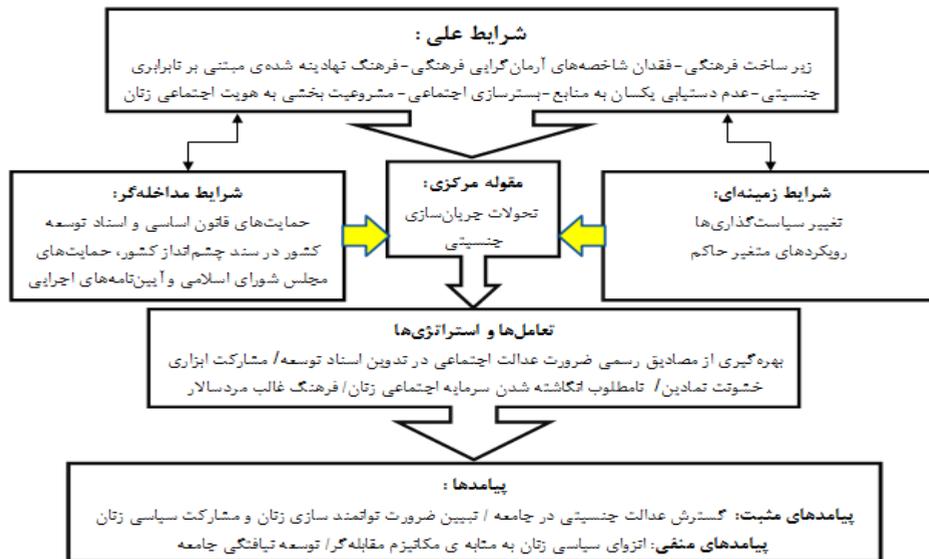
حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخوردارند، مشروط به اینکه موازین اسلام را رعایت نمایند (عدم جنسیت‌گذاری قانونی در مشارکت سیاسی عالی همگان).» از این اصول مشخص می‌شود که در حقیقت در متن قانون اساسی کشور اشاره‌ای به جنسیت فرد مناسب برای احراز پست ریاست جمهوری نشده است که تبیین‌کننده عدالت جنسیتی در جامعه است. نمودار ۱ سنخ‌شناسی پیامدی و نمودار ۲ الگوی مشارکت سیاسی زنان را نشان می‌دهند.

پیامدهای منفی و مخرب: توسعه‌نیافتگی جامعه و انزوای سیاسی زنان به مثابه مکانیزم مقابله‌گر هستند. فائزه هاشمی می‌گوید: «ما متأسفانه شاهد هستیم که تعداد نمایندگان زن در هر دوره مجلس کاهش پیدا می‌کند (مکانیزم جبرانی مقابله‌گر، یاس از رفع موانع مشارکت سیاسی کامل زنان در جامعه).» (پایگاه خبری آنا، ۱۳۹۳). آذر منصوری در مصاحبه‌ای گفته است: «شما به ندرت خانم‌هایی را پیدا می‌کنید که تحلیل سیاسی کنند (واکنش مقابله‌گر-انزوای سیاسی زنان).» راکعی نماینده سابق مجلس در دولت اصلاحات در مصاحبه با اعتماد گفته است: «به نظر من دلیل اینکه زنان کمتر به مشارکت سیاسی فکر می‌کنند این است که وقتی بحث مجلس پیش می‌آید خود را با نگاه سیاسی حاکم تطبیق می‌دهند، یعنی وقتی می‌بینند کسانی روی کار آمده‌اند که نگاه‌شان به زن واقع‌گرایانه نیست می‌پندارند که مشارکت‌شان بی‌فایده هست (واکنش مقابله‌گر-سرخوردگی زنان از مشارکت سیاسی).» (پایگاه اینترنتی زنان نواندیش، ۱۳۹۳).

زیر مقوله مهم پیامد منفی دیگری که یافت شد، توسعه‌نیافتگی جامعه است. در حقیقت واژه «زن» در واژه «مردم» که در قوانین تنظیم شده کشوری و سخنان مسئولان به کار می‌رود، هضم شده است. در کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان که توسط ۱۷۰ کشور از کشورهای جهان پذیرفته شده است می‌بینیم. به عنوان نمونه در بخش ۲ (ماده ۸): دولت‌های عضو باید اقدامات مناسب و مقتضی برای تضمین این امر فراهم آورند که زنان در شرایط مساوی با مردان و بدون هیچگونه تبعیض بتوانند نمایندگی دولت خود را در سطح بین‌المللی احراز کنند (مشارکت سیاسی کامل زنان به منزله ابزار توسعه). خاتمی در بخشی از سخنان دوران ریاست جمهوری خود بیان داشته است: «..هنر اصلی دولت، مشارکت دادن آحاد مردم در فرآیند توسعه ملی است» (تلقی توسعه نیافتگی جامعه با عدم تحقق مشارکت همگانی).» (پایگاه اینترنتی هفته نامه سیاسی فرهنگی اجتماعی ۹ دی، ۱۳۹۳). نمودار ۲.



نمودار ۱: سنخ‌شناسی پیامدی



نمودار ۲: الگوی نقش مشارکت سیاسی زنان در فرآیند توسعه پایدار کشور

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر براساس بازنمایی نقش مشارکت سیاسی زنان در توسعه پایدار کشور و دلایل کم‌رنگ و پررنگ شدن مقطعی یا برهه‌ای این نقش است. کنار گذاشتن زنان از صحنه مشارکت سیاسی فعال و دیده نشدن ضرورت این مشارکت در فرآیند توسعه پایدار کشور، دلایل نهفته‌ای دارد که در جوامع مختلف متفاوت است. در کشور ما موانعی فراتر از قانون و سیاست‌گذاری در

مسیر تحقق مشارکت سیاسی زنان وجود دارند. بر مبنای این تحقیق، تحولات جریان‌سازی جنسیتی برآمده از مقوله‌ی جریان‌سازی جنسیتی، با تغییر رویکرد حاکم و تحول در سیاست‌ها، بیشترین پیامدهای منفی برای جامعه زنان در برداشته است. به طور کلی از آنجا که جامعه در ایجاد تغییر به نفع افزایش مشارکت زنان به دلیل حاکم بودن ساختارهای فرهنگی خاص و هنجارها تلاشی نمی‌کند؛ پس حق انتخاب نمی‌تواند در دست کنشگران باشد.

نظریه فراگرد خاکستری: نظریه‌ای که از مقوله مرکزی تحقیق حاضر، یعنی تحولات جریان‌سازی‌های جنسیتی برآمد، فراگرد خاکستری در جنسیت^۱ است. نظریه، ایجاد روابطی بین مجموعه‌ای از متغیرها برای شکل‌گیری یک کلیت است و آن که نظریه‌پردازی می‌کند، مجموعه‌ای از داده‌ها و مفاهیم را مشاهده می‌کند و براساس منطق ویژه‌ای از آنها کلیت می‌سازد (نجومیان، ۱۳۹۲). در جریان‌سازی‌هایی که متظاهر به اجتماعی بودن و سودمند بودن در مسیر توسعه هستند، اسارت در بن‌بست‌های ذهنی دیده می‌شود. به همین دلیل شناسایی جریان‌های اجتماعی همچون جریان جنسیت و محل آفرینش این جریان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. فراگرد^۲، رویدادی است که یک تغییر یا عمل ممتد در زمان را نشان دهد. اختصاص دادن مفهوم فراگرد به یک پدیده به این معناست که رویدادها و روابط بین عناصر آن، بطور مداوم در حال تغییر هستند. در مسئله جنسیت، می‌توان مفهوم جریان‌سازی را فراگردی تعریف کرد که در آن تغییر مسیر به سوی هدف، با ساز و کارهای بازخور متفاوتی همراه شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش که دلالت بر تغییر رویکردها در جریان‌سازی‌های جنسیتی داشتند، می‌توان گفت نوعی ابهام در مسئله جریان‌سازی‌های جنسیتی کشور ما دیده می‌شود. چرا که از یک سو همواره با تغییر سیاست‌گذاری‌ها تغییر مسیر داده‌اند و از سوی دیگر دلایل نهانی این تغییرات در چندین مقوله قابل توضیح هستند. از این رو نظریه فراگرد خاکستری جنسیت که هم تاکید به تغییرات مداوم جریان‌سازی‌های جنسیتی دارد و هم بر خاکستری بودن و ابهام‌آمیز بودن روند شکل‌گیری این جریان‌ها و تغییرات ناگهانی آنها تاکید دارد می‌تواند تا حدی تبیین‌کننده مسئله باشد.

پیشنهادات: با توجه به داده‌های تحقیق پیشنهادهایی در سطوح خرد، میانه و کلان قابل ارائه و تامل هستند:

^۱. Gray derivation of gender

^۲. process

در سطح خرد: توانمندسازی و تشویق زنان از رهگذار آموزش‌های تخصصی و شرکت در نشست‌های یادگیری نحوه‌ی صحیح مشارکت سیاسی و اجتماعی، با افزایش آگاهی و توانایی، آنها را برای انجام فعالیت در این عرصه‌ها آماده می‌کند.

در سطح میانه: ارائه آموزش‌های صحیح از طریق نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و انجمن های مردمی به کودکان به دور از تبعیض جنسیتی برای اجتماعی کردن صحیح کودکان از طریق اتصال به جامعه، ایجاد حساسیت سیاسی و اجتماعی در فرزندان و آماده کردن آنها به عنوان شهروندانی کنشگر برای ورود به جامعه بسیار اهمیت دارد.

در سطح کلان، پیشنهادهاتی که توسط دولت‌های حاکم قابل اجرا هستند و بعد قانون‌گذاری را در برمی‌گیرند.

۱. برداشتن موانع قانونی و حمایت از ایجاد تشکل‌های مدنی زنان؛
۲. وضع قوانین برای رفع سرکوب، تبعیض و جریان‌سازی‌های جنسیتی منفی علیه زنان در نهادهای دولتی و تبلیغاتی کشور؛
۳. بازنگری در محتوی کتاب‌های نظام رسمی آموزش و پرورش و زدودن کلیشه‌های تبعیض آمیز جنسیتی؛
۴. تخصیص بودجه و تشکیل کمیته‌هایی با همکاری مراکز امور زنان، برای شناسایی عوامل بازدارنده مشارکت سیاسی زنان؛
۵. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های منسجم با هدف جریان‌سازی‌های مطلوب جنسیتی و توانمندسازی زنان و احراز مشاغل مهم سیاسی توسط زنان، مانند مجلس شورای اسلامی، منصب ریاست جمهوری و وزارت؛
۶. رفع تبعیضات در احراز مشاغلی که زنان دارای صلاحیت‌های لازم برای آنها هستند ولی به دلایل جنسیتی به مردان واگذار می‌شوند و در نظر گرفتن سهمیه ویژه‌ای برای فعالیت زنان شایسته و نخبه در سطوح بالای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی
۷. تخصیص بودجه برای بهبود شرایط اقتصادی زنان و برقراری عدالت اجتماعی با هدف دسترسی یکسان همه به منابع.

The role of women's political participation in the process of sustainable development (in the three governments: reformist, Fundamentalist and moderate)

Dr. Behrang Sadighi^۱, Pardis Ameri^۲

Abstract

Due to the increasing participation of members of the society, it is necessary to analyze the women participation in every aspects as a half of the population of the country. This research is about to answer the generalized questions: How is the representation of women's rule in political participation development in developmental documents of the I.R.R and in authorities point of wives, by analyzing role of women's political participation in the sustainable development process, according to the qualities of the representation of this rule by its level of importance. According to the results, reasons of women not getting involved into the political participations is beyond law and policy, processing research data collected by theoretical sampling in 3 deferent governments in IRAN reveals that there are 10 major and 24 more sub-topics about participations of women in sustainable developments in cultural, social, legal and governmental aspects. In summary this research has been achieved "the process of grey upheaval" by examining this zone and mainstream changes in deferent political and social time gaps. According to the results, confusions are seen in the gender mainstreaming in the country, which could be explained by this theory.

Key words: women's political participation, sustainable development, gender mainstreaming, gray derivation of gender

^۱. Doctor Of Philosophy, Faculty Of Social Sciences, Rodehen Branch, Islamic Azad University, Rodehen, Iran

^۲. PHD Student In Women's Studies, Faculty Of Women And Family, University Of Religions And Denominations, Qom, Iran

منابع

فارسی

- ابوت، پ. و والاس، م. (۱۳۷۶)، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: نشر صنوبر.
- استراوس، آ. و کوربین، ج. (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- استراس، آو و کوربین، ج. (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی (نظریه‌های مبانی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها)، ترجمه رحمت‌الله رحمت‌پور، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۰)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: گام نو.
- بوردیو، پ. ی. (۱۳۸۹)، تمایز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ثالث.
- پیران، پ. (۱۳۷۶)، مبانی مفهوم مشارکت زنان روستایی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- راش، م. (۱۳۷۷)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران: چاپ دوم.
- عامری، پ. (۱۳۹۳)، خرد اعتدالگرا و مشارکت سیاسی زنان در ایران، نظریات و مبانی جامعه‌شناختی اعتدال، کتابچه اولین همایش ملی اعتدال، دوره اول، شماره ۱.
- قاضیان، ح. (۱۳۸۱)، روشن‌فکران و توسعه ۲، فرهنگ توسعه، شماره ۸۱.
- کاستلز، م. (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت. جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات طرح نو.
- گیدنز، . (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: چاپ پنجم، نشر نی.
- گرامی زادگان، ا. (۱۳۸۴)، حضور و حقوق زنان در شش دوره مجلس شورای اسلامی، ویژه‌نامه پیام زن، شماره ۳: ۳۹۲.
- موحد، م. (۱۳۸۲)، مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن مطالعه موردی بندرعباس، نشریه مطالعات اجتماعی (مطالعات زنان)، دوره ۱، شماره ۳: ۲۸ - ۳.

- مصفا، ن. (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- نجاتی، غ. ر. (۱۳۷۱)، تاریخ ۲۵ ساله ایران، جلد اول، تهران. نشر رسا.
- نیک گهر، ع ح. (۱۳۵۳). مشارکت مفاهیم و شناخت انواع، مجله دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۵.
- هانتینگتون، س. (۱۳۷۳). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران: نشر روزنه.

انگلیسی

- Stones, R. (ed.) (2008). **Pierre Bourdieu in Key Sociological Thinkers**. London and New York: Palgrave Macmillan. was published in, 480pp.
- Tong, J. (2003). **The gender gap in political culture and participation in China Communist and Post-Communist Studies**, 36(2): pp. 131-150.
- Collins R. (1993). **Conflict Sociology; Toward an Explanatory Science**, New York Academic

منابع و سایت های مورد استفاده:

- پایگاه اینترنتی مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۸۵/۰۶/۲۵، سند چشم انداز بیست ساله، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)، www.parliran.ir/?siteid=1&pageid=220
- پایگاه اینترنتی زنان نواندیش، ۱۳۹۳/۰۵/۲۵، مشارکت سیاسی زنان در انتخابات؛ ضرورتها و آسیبها در میزگردی با فاطمه راکعی، شهربانو امانی، آذر منصوری در روزنامه اعتماد، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)، www.zananenoandish.com/index.php/fa/2014-06-05-09-22-31/item/567-2015-04-06-04-50-27
- پایگاه اینترنتی افسران جوان، ۱۳۹۳/۰۵/۲۰، سخنرانی های انتخاباتی حسن روحانی، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)، www.afsaranjavan.ir/extrapage/cultureandculturalcriticism
- پایگاه اینترنتی خبرگزاری تسنیم، سیاسی، ۱۳۹۲/۰۵/۱۳، مروری بر سخنرانی ها در سه هفته موعد تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)،

www.mobile.tasnimnews.com/fa/%D8%AE%D8%A8%D8%B1/1393/01/01/110968

- پایگاه اینترنتی ریاست جمهوری، ۱۳۹۴/۰۱/۰۴، گزارش همایش بانوی انقلاب، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)، www.president.ir/fa/86026
- پایگاه خبری گفت و گو، ۱۳۹۳/۱۱/۲۱، انتقاد کولایی از حضور کم رنگ زنان در جامعه، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)

www.goftogoonews.com/Pages/News--37603

- پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۰/۰۳/۱۶، آیین نامه اجرایی ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)، www.rc.majlis.ir/fa/law/show/120898
- پایگاه اینترنتی هفته نامه سیاسی فرهنگی اجتماعی ۹ دی، شماره ۱۴۸، ۱۳۹۳/۰۳/۱۰، آقای روحانی نوارتان را گوش کنید، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)

www.9day.ir/Newspaper/Page/148/1/87

- پایگاه اینترنتی هفته نامه سیاسی فرهنگی اجتماعی ۹ دی، شماره ۷۵، ۱۳۷۶/۰۲/۱۳، وعده ها و پاسخ های سیدمحمد خاتمی، ویژه هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، صفحه ۶۷-۶۸، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)

www.9day.ir/Newspaper/Page/76/2/75

- پایگاه خبری آفتاب، ۱۳۹۳/۱۱/۰۷، مولارودی: ۸۲ درصد از زنان سرپرست خانوار بیکارند، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)، www.aftabnews.ir
- پایگاه اینترنتی روحانی، ۱۳۹۳/۰۱/۳۱، سخنان رییس جمهوری در همایش ملی زنان، حضور زنان در صحنه های اجتماعی فرصت است نه تهدید، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)، www.rouhani.ir/event.php?event_id=404
- پایگاه خبری آنا، ۱۳۹۳/۱۲/۰۱، پاسخ هاشمی رفسنجانی به فائزه هاشمی درباره علت رای نیاوردن زنان، (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)، www.ana.ir/news/13739